

## اعتصابات و تأثرات مفید آن در شرایط کنونی جامعه ایرانی

تاکنون نه تنها شاهد بیش از چندین مرحله از مبارزات مردمی در مقام اعتراض پیرامون رفتار و عملکرد کاملاً غیر انسانی در همه زمینه ها، بویژه حقوق انسانی شهروندان ایرانی و تقابل با رژیم جمهوری اسلامی و دست اندر کارانش در سالهای متمادی بوده ایم، بلکه روند و نوع حرکت و عملکرد مبارزاتی مردم را نیز مورد بررسی قرار داده ایم و هر کدام از ما برای یک حرکت با نام و عنوان مبارزات مدنی بر علیه رژیم جمهوری اسلامی وارداتی نسخه هایی پیچیدیم و در تلاش آن بودیم که ملت ایران در مرحله ای دیگر، روشهای تاکتیکی جدیدی را بکار بندد تا به پیروزی و در نهایت به رهایی از چنگال چنین رژیم جنایتکار و فاشیستی دست یابد.

اگرچه در این زمینه، همه هم میهنان تجربیات فراوانی همراه با هزینه بسیار سنگین انسانی و حتی اقتصادی و آسیبهای مختلف دیگری را تجربه نمودند، ولیکن آیا این نوع مبارزات تاکنون نتیجه بخش بوده است؟ اگر آری تا چه اندازه؟

بررسی به میزان بهره مندی از نتیجه آنرا لازم است که بدرستی مورد تجزیه و تحلیل قرار داد تا بتوان با شناخت محاسن و معایب و یا عبارتی امتیازات و ضررها را مورد محاسبه دقیق قرار داد.

کاستیها و نواقص، آسیبهای وارده بر مردم در زمینه های مختلف و بویژه خسارات فراوان جانی یا انسانی، اعم از کشتارها، مجروح شدن، دستگیریها و تحت شکنجه های وحشتناک قرار گرفتن هم میهنان معترض و وارد آمدن فشارهای روحی و روانی نه تنها بر اشخاص زخمی شده، دستگیر شده و تحت شکنجه قرار گرفته ها، بلکه بر خانواده آنها در موارد مختلفی، بقدری جانفرسا بوده و است که جبران این ناملایمها، درد و رنج و الم و عذاب بسیار فراتر از نتایج مطلوب آنها بوده است که به واقعیت خارج از گنجایش این نوشتار است و هر قدر که نوشته و بیان گردد باز هم در برابر انهمه لطمات و صدمات و خسارات، بسیار اندک و ناچیز جلوه می نماید. نگاهی به وضعیت اسفبار و نگون بختی های جامعه در ابعاد مختلف خود، گویای این واقعیتهای تلخ می باشد.

میگویند در هر روند یا پروسه تغییرات، بویژه در زمینه تغییرات بنیادین در رابطه با تغییر یک رژیم و بویژه در رابطه با فروپاشی رژیم جنایتکار و ددمنش و گرگ صفتی همچون جمهوری اسلامی در ایران، انسانها و یا بطور اعم کل جامعه درگیر با چنین وضعیتی، متحمل خسارتهایی میگردد، پس لازم است که با ادامه چنین حرکات و عملکردهایی بطور تداوم یافته، بتوان به آن نتیجه مهم مورد نظر دست یافت.

عدم وجود توازن و تعادل قدرت بین رژیم و شهروندان ایرانی، یک فاکتور بسیار مهمی می باشد که لازم است در این باره با بررسی و تحلیل درست و خردورزانه و موشکافانه بدان پرداخت تا راهکارهای مناسب و کم هزینه و یا بطور کلی بدور از هزینه ای یافت و بدان نتیجه مطلوب دست یافت.

برای دست یابی به چنین فاکتور مهمی، نخست نیاز است که میزان توانمندی مردم از یک سو و همچنین توانمندی و پایداری رژیم منحوس جمهوری اسلامی را از سوی دیگر مورد مطالعه و بررسی دقیق قرار داد.

از آنجاییکه در درازای این چهل ساله، فشارهای اقتصادی با نام تحریمها در زمینه های مختلف، بیشترین فشار بر دوش مردم وارد شده است. این نکته خود، مفهوم ویژه ای از نقطه نظر سیاسی و اجتماعی را در بر دارد.

از نظر سیاسی، طبعاً "ضعیف نمودن رژیم و محدود نمودن فعالیت هایش در زمینه هایی همچون پیشرفت در دستیابی به سلاحهای کشتار جمعی و محدود نمودن قدرت نظامی و تسلیحاتی می باشد، به همین دلیل، رژیم برای تامین تجهیزات نظامی و نیرو بخشیدن به قدرت نظامی اش، متحمل پرداخت هزینه های بسیار گزافی به دلالتان تسلیحات نظامی شده و میشود و این معضل نیز خود، یکی دیگر از فشارهایست که در واقع به مردم وارد آمده و در نتیجه ایجاد تورم، یا گرانی قیمتتها و عدم دسترسی به امکانات و تکنولوژی و همچنین نو آوریها میگردد.

از نقطه نظر اقتصادی، بر همگان روشن است که فشارهای وارده به مردم در رابطه با تورم قیمت، کمبود کالا و اجناس مختلف در صنعت تجارت، تکنولوژی، کشاورزی، صنعتی، آموزشی و در زمینه های مختلف دیگر خود، نشانه ای از وضعیت نا متعارف و ناهمگون اقتصادی جامعه را به نمایش گذارده است.

با توجه بر وجود این همه مشکلاتی که در نهایت بیشترین فشار بر دوش شهروندان ایران می باشد خود، نقطه عطفی است که سبب ساز بوجود آورنده اعتراضات در اشکال و ابعاد مختلف گشته و میگردد. افزون بر این مشکلات اشاره شده، فشارهای رژیم برای ساکت نمودن یا به سکوت وادار نمودن مردم در برابر چنین مشکلات عدیده ای و فراوان، متوسل به حرکتهای و عملکردهای نا متعارف تا به مرحله برخورد های غیر انسانی و ددمنشانه گردیده است.

تمام این نابسامانیها و سردرگمی ها، نتیجه بارز و روشن نوع و محتوای سیاست در عملکرد نابخردانه رژیم و دست اندرکارانش بوده که مردم بجان آمده را وادار به اعتراضات نسبتاً گسترده نموده است.

آنچه که در پس این مرحله لازم است بعنوان پروسه های مختلف و زمان بندی شده صورت گیرد، ایجاد مکانیزمهایی همچون اعتصابات است. لازم است در این مرحله، نخست توضیحی مختصر در زمینه اتخاذ سیاستهای نابخردانه رژیم را که در سرزمینهای مختلف منطقه خاورمیانه آنهم با دخالتهای بی جا و با هدف مشخص البته از دیدگاه خود رژیم، سبب ساز به هدر رفتن میلیاردها دلار از ثروت ملی که به مردم ایران تعلق داشته و دارد (البته خارج از دزدیها، اختلاسهای فراوان میلیاردری توسط عوامل رژیم در ارگانهای مختلف که در بانکهای کشورهای مختلف چه بصورت سپرده شخصی و چه در قالب سهام در شرکتهای مختلف خارجی و چه در بازارهای بورس جهانی که هر روزه میلیونها دلار بدان افزوده میگردد از حق و حقوق مردم، به تاراج رفته است) لازم است عنوان نمایم که این مقدار ثروت هنگفت میتواند فرد فرد ایرانی را از هرگونه امکانات اعم از رفاهی، آسایشی در هر زمینه ای بهره مند سازد که شوربختانه محروم نموده اند. این معضل بسیار بزرگ، عامل بوجود آوردن نارضایتیهای بسیار گسترده در جامعه گشته و یک نابسامانی و از هم پاشیدگی بسیار وحشتناک وضعیت اقتصادی خانواده ها گردیده است که خود شرح مفصلی را میطلبد، ولیکن شرح آن از گنجایش این نوشتار کوتاه خارج است، اما این از هم پاشیدگی و ناملامتتهای فراوان دیگر، سبب ساز ویران شدن کانون خانوادگی در ابعاد مختلف، اقتصادی، فرهنگی و اخلاقی گردیده، تا بدان حد که بر اساس ناتوانی در زمینه تامین معیشت زندگی در خانواده، فروش اعضای بدن، فروش کودکان، فروش دختران با عنوان تن فروشی و فحشای فراوان که سن آن به دوازده سال رسیده است، جدایی، به زندان افتادن بسیاری از مردان یا پدر خانواده بخاطر عدم دارا بودن بودجه لازم در امر تامین مهریه همسر در زمان طلاق و بسیاری از اختلافات خانوادگی، اجتماعی و در نهایت ناهنجاریهای روحی و روانی و سرخوردگیها بویژه برای کودکان، و بدتر از آن، با کالایی شدن آموزش برای کودکان، نوجوانان و جوانان، سبب ساز گسترش بیسوادی، کم سوادی و محرومیتها در جوانان و بوجود آمدن عارضه های بسیار دردناک دیگری همچون ایجاد کارها یا مشاغل کاذب برای کودکان با عنوان کودکان کار، و همچنین برای نوجوانان و جوانان و در پیگرد آن، اعمال خلاف گونه همچون دزدیها و بزه کاریهای مختلف، اعتیاد، خود فروشیهای دختران و پسران، همگی عامل ایجاد یک جامعه نا متعارف و نا متعادل همراه با عصبیتتهای فراوان و بیماریهای روحی روانی گردیده است.

تحمل این همه درد و رنج مادران و پدران که از یک طرف شاهد به هدر رفتن عمر فرزندانشان و به بطالت رفتن وقت و زمان گران بهای فرزندانشان و همچنین از طرف دیگر، نبود امکانات اولیه زندگی برای تامین معیشت زندگی، دردهای روز افزونی نه فقط برای آنان که برای پژوهشگران اجتماعی در نهادهای مختلف غیر انتفاعی و بسیاری از مردم سبب گردیده است. امروزه دیگر، مردم با توجه بر از دست دادن فرزندانشان در رابطه با اعتراضات کاملاً مدنی در راستای احقاق حقوق و مطالبات به حق خود، تاب تحمل فلاکتباری بیش از این را نداشته و در صدد رهایی خود و خانواده شان از چنین جهنمی می باشند که چنین رژیم بی کفایت و ناتوان و ددمنش و جنایت پیشه ای بخاطر تداوم بخشیدن به بقای عمر خود با کشتار نوجوانان و جوانان و زنان و مردان، عرصه را بر همه هم میهنان تنگ نموده است. در چنین پروسه زمانی ای، مکانیزم لازم برای ایجاد یک حرکت فراگیر و سراسری ایجاد می نماید که روش و یا تاکتیک دیگری که میتواند هزینه کمتری برای مردم داشته باشد بکار گرفته شود تا بتوان با هر چه بیشتر ضعیف نمودن رژیم پیرامون ته مانده های پایانه های کسب درآمدهای بکار گرفت تا بتوان چنین رژیمی را فرو پاشی نمود و راه نجات مام میهن و رهایی هم میهنان را هموار نمود.

اگرچه در این راستا مردم برای مدت کوتاهی ( نهایتاً دو ماه) متحمل فشار اقتصادی دیگری خواهند شد، ولیکن برای رهایی از چنین وضعیت بسیار اسفبار و فلاکت‌بار چند دهه که همچون مرگ تدریجی ای برای مردم بوده، سبب ساز نجات آنان خواهد گردید.

اعتصابات سراسری، در همه ابعاد آن، اعم از کارخانجات، شرکتهای صنعتی، تولیدی، سازمانهای دولتی و نیمه دولتی، شرکتهای خصوصی، سازمانهای خدماتی مختلف، بویژه بازار و تجارت، همچنین در بخش مراکز ثروت زای استخراجی همچون نفت، گاز، پتروشیمی، معادن، حمل و نقل و ترابری در همه ابعاد آن میتواند رژیم را حتی کمتر از یک ماه بزانو در آورد و ناکار آمد نماید و عامل سرنگونی آن گردد.

جامعه خوشبختانه به آن درجه از آگاهی و توانمندی، بویژه از نظر روحی رسیده است ( حرکات و عملکرد شجاعانه مردم با توجه بر تلفات بسیار زیاد، نشانگر میزان روحیه قوی و توانمندی آنان می باشد) که بتواند رژیم را با ایجاد این اعتصابات سراسری و موقت، خیلی سریع نابود نماید.

در این رابطه، از همه آن دسته از هم میهنانی که امکان یاری رسانی به خانواده های کارگران و خانواده هایی که امکان مالی بسیار ضعیفی دارند ( منظورم تامین حد اقلی معیشت زندگی، بویژه به کودکان این خانواده ها) این امر مهم انسانی را بر دوش گیرند و از صاحبان خانه ها که بعنوان صاحبخانه می باشند، به مستاجرینی که امکان پرداخت اجاره را برای این مدت اعتصاب ندارند، صرفنظر نمایند تا پس از پیروزی و رهایی مردم از چنگال چنین رژیم اختاپوسی ای، دولت موقت در دوران گذار امکان آنرا خواهد داشت تا همه این هزینه ها، همراه با پرداخت حقوق به تعویق افتاده این دسته از مردم را تامین نماید تا بتوان جامعه را تا حدی به آرامش رسانید که پس از چنین پروسه بسیار سختی، در راستای ایجاد رفاه عمومی، آسایش و امنیت با تمام نیرو به مسئولیت خود بپردازد.

این راهکار مهم، تنها راه رهایی از چنین وضعیت بسیار سخت و ناگواری می باشد که مردم دچار آن گشته اند، ولیکن باید که پذیرای چنین دشواری و سختی ای گردیم تا چرخه ساماندهی به اداره کشور و تامین رفاه حداقلی مردم در یک استاندارد متعارف نسبی به حرکت درآید و در پیگرد آن، سایر امکانات اعم از رفاهی و امنیتی و آسایشی بدرستی در اختیار همه مردم فراهم گردد.

نگارنده: داریوش درشتی

بتاریخ: 15.01.2020